

قانون های باستان می دانید چرا قانون نبودند؟

همانطور که مطرح شده بود، قوانین باستان واجد یک بُعد قدسی بودند. چنان بود که هم نگارندگانشان و هم مجریان آن قوانین به نوعی با باور به یک مبداء قدسی، ملزم به نگاشتن و رعایت آن قوانین بودند. اما در همان دوره های باستان نیز فهم های دیگرگونی از "قانون" وجود داشت و یکی از آن ها، فهمی رومی بود که از قرن هشت قبل میلاد در روم باستان باب شده بود و به تناسب، نقش افراد ساکن در شهر را در برابر حاکم یا شورای حکومت تنظیم می کرد. به عبارتی چنان قوانینی جوری تنظیم شده بودند که تمام افراد زیر مجموعه ی آن ساخت قدرت سیاسی، ملزم به رعایت مفاد آن نوشته ها بودند اما بین امپراطور یا حاکم سیاسی مطلق یک مجلس قدرتمندی از خواص و ثروتمندان وجود داشت و این مجلس نقش بسزایی در تدوین قوانین داشت. نام مجلس فوق "سنا" بود. در همان دوره در شرق نیز، در کشور ایران، سلطان ایرانی فرمانروایی بود که برای حکومت به مردم خویش، نوشته هایی را به عنوان قوانین کشوری و ایالتی تنظیم کرده بود. شکل قوانین ایرانی در آن دوره ها بیشتر مرتبط با نوع اراده ای بود که سلطان آن اراده را آفریده بود، همانطور که در قوانین شرعی، خدایان یا باورهای الهیاتی آن قوانین را ابداع کرده بودند. به عبارتی قانون در معنای سلطانی و الهی اش، اگرچه برای قانون پذیران نگاشته شده بود، اما موقعیتی که برای قانون پذیران خلق کرده بود، یک موقعیت یک طرفه بود، یعنی قانون رعایتش الزامی بود، چون نفع دیانت خاص، روحانیت خاص یا سلطان در آن رعایت شده بود البته در قوانین دوره ی هخامنشی معنای قانون به طریقی با معنای **data** که به لفظ "داد" تغییر شکل لفظی داد نیز به کار گرفته می شد و ایرانیان باستان، چیزی که از قانون متصور بودند، نوعی دستوراتی بود که از جانب سلطان یا اهورامزدا نوشته شده است و برای ایجاد دادگستری در میان افراد ساکن در آن سرزمین به کار گرفته می شد. برخی مواقع مفاد آن نوشته ها، به نوعی با مسئله ی "حق" در جهان مدرن نیز نزدیکی های بسیار اندکی دارد. اما امروزه و بعد از گذشت سالها تجربه و تأمل بشری در مورد معنای دقیق قانون که متناسب با معنای دقیق "حق" است می توان آن نوع قوانین را دیگر قانون نخواندشان و بیشتر برای آن نوع نوشته ها از لفظ "فرمان" استفاده کرد. فرمان، مجموعه دستوراتی است که معمولاً فردی یا سازمان یا گروه سیاسی یا مذهبی ای آنها را برای نفع رأس قدرت یا حتی نفع خود مردم و به صلاح دید خود آنها را تنظیم کرده و صادر کرده است، لذا فرمان پذیران موظف و مکلف به رعایت آنها هستند و هیچ

حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

فرمان پذیری دلیلی برای اینکه بداند چرا باید از آن فرمان تبعیت کند، ندارد. به عبارتی شاید بهتر است بگوییم محتوای "فرمان" در نسبت با آگاهی "فرمانده" از امور تنظیم شده است نه "فرمان پذیر" ولو که "فرمانده" ادعا کند در قانون فوق، خیر "فرمان پذیر" و نفع "فرمان پذیر" را از خودش بیشتر لحاظ کرده است. برای درک صریح تر این ادعا، با انداختن نگاهی اجمالی به محتوای موجود در قوانین باستان، می توان این مسئله را به راحتی دریافت .